



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Foundations of Political System Legitimacy in the Quranic Thought of Grand Ayatollah Khamenei

Mohammad Bashir Ahmadi^{*1}, Gholam Reza Behrouzilak², Mohammad Ali Ghasemi³

Received:

02 May 2025

Revised:

09 Jul 2025

Accepted:

14 Aug 2025

Available Online:

22 Dec 2025

Keywords:

Political Legitimacy,
Quranic Thought,
Ayatollah Khamenei,
Guardianship of the
Islamic Jurist
(Velayat-e Faqih),
General
Appointment,
Popular Acceptance.

Abstract

The issue of legitimacy is one of the most fundamental debates in political philosophy, with various theories addressing it. This study, using a descriptive-analytical approach and the thematic-exegetical method of interpreting the Qur'an, systematically examines the foundations of political legitimacy in the Qur'anic thought of Ayatollah al-Uzma Khamenei. The significance of this research lies in the fact that no comprehensive study has thus far focused on the Qur'an as the primary source for legitimacy in his political thought. The central question is: "What are the Qur'anic bases of political legitimacy in Ayatollah Khamenei's perspective?" Findings indicate that legitimacy in his thought has a dual divine-popular nature. Its divine dimension rests on the general appointment of the qualified jurist, rooted in Qur'anic concepts of wilayah, obedience to those vested with authority, and imamate. Its popular dimension, while not the source of legitimacy, functions as a necessary condition for its realization through "public acceptance," based on the Qur'anic teachings of shura and human vicegerency. Accordingly, he considers legitimacy during the occultation contingent upon both "religious qualification" (general appointment) and "popular acceptance" (election). Ultimately, this theory offers an innovative model reconciling divine rights and popular rights in religious governance.

1* Ph.D Student of Quran and Political Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

(Corresponding Author) Email: bashia020@gmail.com

2 Professor, Department of Political Studies, Baqir al-Ulum University, Qom, Iran.

3. Professor Assistant, Research Deputy of the Jurisprudence Center of the Infallible Imams (A.S.), Qom, Iran.

Please Cite This Article As: Ahmadi, MB; Behrouzilak GH. R & Ghasemi, MA (2025). "The Foundations of Political System Legitimacy in the Quranic Thought of Grand Ayatollah Khamenei". *Interdisciplinary Legal Research*, 6(4): 15-31.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۱۳-۳۱)

مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اندیشه قرآنی آیت‌... العظمی خامنه‌ای (مدظله)

محمد بشیر احمدی*، غلامرضا بهروزی لک^۲، محمدعلی قاسمی^۳

۱. دانشجوی دکتری قرآن و علوم سیاسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: bashia020@gmail.com

۲. استاد تمام، گروه مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

۳. استادیار، معاون پژوهشی مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران.

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۳ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

چکیده

مسئله مشروعیت، به معنای حقانیت حکمرانی و توجیه اطاعت‌پذیری، از بنیادی‌ترین مباحث فلسفه سیاسی است که نظریه‌های گوناگونی همچون مشروعیت الهی، سنتی، کاریزماتیک، قرارداد اجتماعی و دموکراسی برای آن ارائه شده است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از روش تفسیر موضوعی - استنتاجی قرآن کریم، به تحلیل نظام‌مند مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اندیشه قرآنی آیت‌... العظمی خامنه‌ای می‌پردازد. اهمیت این تحقیق از آن‌روست که تاکنون پژوهش جامعی با تمرکز بر قرآن کریم درباره مبانی مشروعیت در اندیشه سیاسی ایشان سامان نیافته است. پرسش اصلی پژوهش این است که: «مبانی قرآنی مشروعیت نظام سیاسی در اندیشه آیت‌... العظمی خامنه‌ای چیست و چگونه تبیین می‌شود؟». یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مشروعیت در اندیشه ایشان دارای ماهیتی دو ساحتی و «الهی - مردمی» است: ساحت الهی آن ریشه در نصب عام فقیه جامع‌الشرایط از سوی امام معصوم (ع) دارد که مستند به مفاهیم قرآنی ولایت، اطاعت از اولی‌الأمر و امامت است؛ ساحت مردمی آن، هرچند منشأ مشروعیت نیست، اما به منزله شرط تحقق و عامل عینیت‌یابی این مشروعیت در قالب «مقبولیت عمومی» عمل می‌کند که مستند به آموزه‌های قرآنی شورا و خلافت انسان است. بر این اساس، ایشان مشروعیت نظام سیاسی در عصر غیبت را منوط به تحقق هم‌زمان «اهلیت شرعی» (نصب عام) و «مقبولیت مردمی» (انتخاب) می‌دانند. این نظریه در نهایت به عنوان الگویی بدیع، جمع میان حق‌الله و حق‌الناس را در عرصه حکمرانی دینی تبیین می‌کند.

کلمات کلیدی: مشروعیت سیاسی، اندیشه قرآنی، آیت‌... خامنه‌ای، ولایت فقیه، نصب عام، مقبولیت مردمی.

مقدمه

ضرورت زندگی اجتماعی برای انسان، نیازمند وجود نظم و قانون در جامعه است و این امر، استقرار نظام سیاسی و شکل‌گیری فرمانروایی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در این میان، پرسش بنیادین این است که «چه کسی و بر چه مبنایی حق فرمانروایی دارد؟»

در تاریخ اندیشه سیاسی، پاسخ‌های گوناگونی به این پرسش ارائه شده است، از جمله نظریه فرادستی و فرودستی طبیعی، فرمانروایی مبتنی بر شناخت خیر و سعادت، قرارداد اجتماعی و فرمانروایی ماورایی و الهی (روزبه، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۹). همچنین در چهارچوب علوم اجتماعی مدرن، نظریه‌های مشروعیت عقلایی، قانونی، سنتی و کاریزماتیک توسط ماکس وبر مطرح گردیده است (وبر، ۱۳۹۵: ۲۷۵-۳۹۶).

برپایه یک اصل بدیهی، هرگونه تصرف در امور انسانی تنها زمانی مشروع است که از سوی مالکان آن امور یا نمایندگان مجاز آنان صورت گیرد. آموزه‌های قرآن کریم تصریح می‌کند که خالق و مالک حقیقی همه هستی، از جمله انسان، تنها خداوند است و بنابراین حق حاکمیت منحصرأ به او تعلق دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۱۰۳؛ سبحانی، ۱۳۸۸: ۳۲۱/۷). از این رو، اصول توحید در خالقیت، ربوبیت و حاکمیت از مبانی بنیادین این پژوهش محسوب می‌شوند: «ان التوحید فی الحاکمیه من شؤون التوحید فی الربوبیه، فان الرب بما انه صاحب المربوب و مالک... له حق التصرف و التسلیط علی النفوس و الأموال و ...» (سبحانی، ۱۴۱۳: ۷۳/۲).

بر این اساس، بنیان مشروعیت نظام سیاسی در اسلام بر اراده الهی استوار است؛ اصلی که شامل حاکمیت پیامبران الهی نیز می‌شود. علاوه بر این، مشروعیت الهی حکومت امامان معصوم (ع) نزد اندیشمندان شیعه امری مسلم است. با این حال، درباره مبنای مشروعیت حکومت در عصر غیبت، سه نظریه عمده در فقه شیعه مطرح شده است: ۱- ولایت انتخاب فقیه؛ ۲- ولایت انتصابی فقیه؛ ۳- ولایت تلفیقی یا انتصابی مشروط فقیه.

در مقابل، دیدگاه‌های اهل سنت عموماً در قالب دو نظریه اصلی مطرح می‌شود: «تفویض» (ماوردی، ۱۴۰۹: ۴-۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۶۷۳/۶) و «تغلب» (ابویعلی، ۱۴۲۱: ۲۰). هریک از این نظریات در جایگاه خود مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

از این رو، این پژوهش بر آن است تا با تمرکز بر اندیشه قرآنی آیت‌... العظمی خامنه‌ای، به واکاوی مبانی مشروعیت در سه حوزه بپردازد: ۱- مشروعیت نظام سیاسی پیامبران؛ ۲- مشروعیت حکومت امامان معصوم (ع) و در نهایت مبانی مشروعیت نظام سیاسی در عصر غیبت.

۱- پیشینه پژوهش

تاکنون اثر مستقلی که به‌طور خاص «مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اندیشه قرآنی معظم‌له» را بررسی کرده باشد، منتشر نشده است. آثار موجود یا به‌طور کلی به اندیشه سیاسی ایشان پرداخته‌اند یا مسأله مشروعیت را فاقد رویکرد قرآنی و تفسیری مطرح کرده‌اند. با این حال، برخی منابع از قرابت بیشتری با موضوع برخوردارند که می‌توان به چند نمونه اشاره کرد:

۱- «خاستگاه مشروعیت نظام سیاسی صالح در اندیشه آیت‌... خامنه‌ای» (محسن مهاجرنیا و محمد کریمی خضرا) که به مسأله مشروعیت پرداخته و بیشترین نزدیکی را با موضوع تحقیق دارد، اما فاقد تحلیل قرآنی است.

۲- «جایگاه رهبری در نظام سیاسی اسلام از نظر آیت‌... خامنه‌ای» (محمود علی‌پور گرجی) که در بخشی به نظریه‌های مشروعیت اشاره دارد، اما بحث را گذرا و بدون تکیه بر مبانی قرآنی دنبال کرده است.

۳- «شاخص‌های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت‌... خامنه‌ای» (رقیه جاوید و غلامرضا بهروزی لک) که در بخش «حق نظارت مردم بر حکومت» به دیدگاه‌های ایشان پرداخته است، ولی فاقد استناد قرآنی است.

۴- کتاب «سیاست از منظر آیت‌... العظمی خامنه‌ای» (امیر سیاه‌پوش) که محور آن مردم‌سالاری دینی و فرهنگ سیاسی است، اما مبانی مشروعیت را به‌طور ویژه و با نگاه قرآنی بررسی نکرده است.

۵- «اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری» (احمد عارفخانی) که تنها در بخشی گذرا به نقش مردم در حکومت اسلامی پرداخته و فاقد تحلیل قرآنی است.

در حوزه آثار عمومی تر:

۱- «سیاست و حکومت در قرآن» (کاظم قاضی‌زاده)؛

اصطلاحی، مشروعیت هم بر «حق فرمانروایی» دلالت دارد و هم بر «پذیرش این حق از سوی مردم» (کریمی والا، ۱۳۹۰: ۸۲). در اندیشه اسلامی، مشروعیت ترکیبی از «هاؤنیت الهی» و «مقبولیت مردمی» است که در طول هم عمل می‌کنند.

۴-۲- مبانی مشروعیت نظام سیاسی

«مبنا» در لغت به معنای بنیان و شالوده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۹۰۵۲/۱۳). در اصطلاح، به اصول و دلایلی اطلاق می‌شود که پایه‌های حقانیت حکومت را تشکیل می‌دهند و بدون آن‌ها استمرار حکومت ممکن نیست (مسعودی، ۱۳۸۳: ۳۱). در این پژوهش، مبانی مشروعیت به اصولی اطلاق می‌شود که هم در نصوص دینی و هم در تحلیل‌های قرآنی آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای مستند دارند.

۵-۲- اندیشه قرآنی

«اندیشه» در لغت به معنای تفکر، تأمل، فکر، تدبیر، رأی و عقیده است (معین، ۱۳۷۵: ۳۷۷). در اینجا منظور از «اندیشه قرآنی»، آرای است که از قرآن کریم استنباط شده‌اند، یعنی آرا و دیدگاه‌هایی که یا مستقیماً از آیات قرآن استنباط شده‌اند، یا با تکیه بر روح آیات و در چهارچوب مباحث تفسیری شکل گرفته‌اند. این پژوهش، اندیشه قرآنی آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای را به عنوان مبانی اصلی تحلیل در نظر می‌گیرد.

۴-۳- مبانی مشروعیت در نظام سیاسی پیامبران (ع)

از یک سو، اصل وجود حکومت در اجتماع بشری یک ضرورت عقلانی و همه‌پذیر است و از دیگر سو، در جای‌جای قرآن کریم بر عدم شایستگی طواغیت، ستمگران و جاهلان برای حاکمیت و رهبری تأکید شده و مردم نیز از پذیرش حکومت آنان بر حذر داشته شده است (هود/۱۱۳؛ جاثیه/۱۹-۱۸؛ بقره/۱۲۴). در این میان تنها راه مشروع، حکومت پیامبران و انسان‌های مورد تأیید خداوند است. از این رو «پیامبران برای اقامه قسط و ایجاد نظام اسلامی آمدند: لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۱۰۶/۱۱).

قرآن کریم در آیات متعدد بیان می‌نماید که حق حکومت از جانب خداوند به پیامبران داده شده است، مثل آیه ۸۹ از سوره آل عمران (طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۹۳/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۳۴/۵؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۰۵/۳)، آیه ۱۶ سوره جاثیه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵۰/۲۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۵/۱۳؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۵۲۴/۱۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۱۶/۲۰)، آیه ۲۵ سوره

۲- «مشروعیت حکومت در قرآن» (علی آقاجانی) به بررسی مبانی قرآنی مشروعیت پرداخته‌اند، اما اندیشه معظم‌له را به‌طور خاص محور قرار نداده‌اند.

بر این اساس، می‌توان گفت که اگرچه پژوهش‌های متعددی در زمینه مشروعیت سیاسی و اندیشه آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای صورت گرفته است، اما ترکیب دو محور «قرآن» و «مشروعیت در اندیشه معظم‌له» همچنان خلاً جدی پژوهشی به‌شمار می‌رود که پژوهش حاضر درصدد پرکردن این خلاً است.

۲- مفاهیم

باتوجه به ابهام‌برانگیزبودن مفاهیم سیاسی (وینسنت، ۱۳۷۸: ۷۴-۷۳)، روشن‌سازی اصطلاحات کلیدی پژوهش ضروری به‌نظر می‌رسد.

۱-۲- سیاست

سیاست در لغت، به معنای تدبیر، حکمرانی (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۰۸/۶؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۰۷۴/۹)، ریاست، داوری و اداره امور کشور به‌کار رفته است (بهشتی، ۱۳۶۰: ۶۳۰). در اصطلاح، برخی آن را «فن اداره جامعه» یا «علم قدرت» تعریف کرده‌اند (دوورژه، ۱۳۷۰: ۲۰؛ جاسمی، ۱۳۸۵: ۲۵۲). در اندیشه اسلامی، سیاست مدیریت معطوف به هدایت و تحقق عدالت الهی است، نه صرفاً کسب و اعمال قدرت (مقیمی، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

۲-۲- نظام سیاسی

نظام سیاسی در ساده‌ترین تعریف، «نظمی است که اداره امور جامعه را برعهده دارد» (حائری، ۱۳۶۱: ۸). برخی آن را «بنا و اساس آگاهانه ملت‌ها برای تحقق مقاصد جمعی» دانسته‌اند (گرچی، ۱۳۷۱: ۱۲). فرحی نیز آن را «مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و نهادهای به‌هم‌پیوسته برای اداره جامعه» معرفی می‌کند (فرحی، ۱۳۹۱: ۱۵۶). در این پژوهش، مقصود از نظام سیاسی همان سازمان اعمال قدرت در جامعه است که از افراد و نهادهای دارای وظایف مشخص تشکیل می‌شود (لک‌زایی، ۱۳۸۸: ۱۳۰؛ اراکی، ۱۳۹۰: ۵۵).

۳-۲- مشروعیت نظام سیاسی

مشروعیت در لغت به معنای موافقت با شرع و قانون است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۵۳). در علوم سیاسی، معادل «Legitimacy» بوده و به حقانیت، مقبولیت و قانونی‌بودن اطلاق می‌شود (قربانی و شفیع‌فر، ۱۳۹۲: ۲۵). به‌لحاظ

آمده است: «هنگامی که مقرر شد [بنی‌اسرائیل] در راه خدا پیکار کنند و پیامبر خدا فرماندهی معین کند، او طلوت را به این منصب گماشت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۲۴۱).

در نتیجه همه انبیای عظام، اذن و اجازه تأسیس نظام سیاسی و رهبری مردم را از جانب خداوند داشته‌اند. آیت... العظمی خامنه‌ای، با استناد به آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» تصریح می‌کنند که مسأله حکومت و تشکیل نظام سیاسی، اساس قضایای همه پیغمبران الهی بوده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۵/۲۱).

اما در خصوص پیامبر اکرم (ص) از باورهای قطعی مسلمانان است که ایشان علاوه بر دارا بودن مسئولیت‌های ابلاغ و قضا، مأموریت تشکیل نظام سیاسی داشته‌اند.

«آیه «مَا تَأْكُمُ الرُّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» می‌گوید وقتی پیامبر دستوری به شما داد و دخالت در اموال و انفس شما کرد، شما باید آن را بپذیرید، یعنی حکم حکومتی که دخالت اجرایی در امور جامعه است، پس ولایتی که خداوند داشت، به پیامبر نیز انتقال یافته است و از پیغمبر هم به اتفاق همه مسلمین، به غیر پیغمبر منتقل شده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۱۷۷).

البته، با تبیین مبنای مشروعیت نظام‌های سیاسی پیامبران الهی به‌طور عام، مبنای مشروعیت نظام سیاسی پیامبر اکرم (ص) نیز روشن می‌شود، زیرا آیات یادشده به‌طریق اولی شامل ایشان نیز می‌شوند. در اینجا با صرف نظر از آیات عام، مجموعه آیاتی که مشروعیت الهی حکومت پیامبر اکرم (ص) را به‌صورت خاص مورد توجه قرار می‌دهند، به سه دسته عمده قابل تقسیم‌اند:

۱- آیاتی که اطاعت از پیامبر اکرم (ص) را بدون هیچ قید و شرطی واجب دانسته‌اند: فتح/۱۷؛ نسا/۱۳ و ۵۹-۷۰؛ احزاب/۶۷-۶۶ و ۷۱؛ حجرات/۱۴؛ انفال/۱، ۲۰ و ۴۶؛ مجادله/۱۳؛ آل عمران/۳۲ و ۱۳۲؛ مائده/۹۲؛ نور/۵۴ و ۵۶؛ محمد/۳۳ و ...

۲- آیاتی که مردم را از مخالفت با پیامبر اکرم (ص) بر حذر داشته و کیفر الهی را برای عصیانگران و مخالفان وعده می‌دهند، مثل آل عمران/۳۲؛ نسا/۱۴، ۴۲ و ۱۱۵؛ مائده/۴۹؛

حدید (بابایی، ۱۳۸۲: ۱۰۹/۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷۱/۱۹) و همچنین وقتی قرآن کریم به‌طور مطلق اعلام می‌کند «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (نساء/۶۰) «اطلاق و جوب اطاعت پیامبران، شامل مواردی هم می‌شود که یک پیامبر متصدی امر حکومت شود و انسان‌ها را به فرمان‌برداری خود دعوت کند» (مصباح یزدی، ۱۴۰۱: ۲۲۹).

آیت... العظمی خامنه‌ای با استناد به آیات قرآن (آیه ۲۰۵ سوره بقره و آیات ۲۸ و ۲۹ سوره ابراهیم)، مهم‌ترین هدف انبیای عظام را مقابله با طواغیت و حکومت‌های فاسد دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۳/۲۳) و نیز با اشاره به آیه‌های ۲۵ سوره حدید و ۱۳۵ سوره نساء، برپایی حکومت الهی را از اهداف اصلی پیامبران و تکلیفی برای امت‌ها برشمرده‌اند. همچنین باتوجه به آیه‌های ۱۱۳ سوره هود و ۶۰ سوره نساء که از اعتماد و تکیه بر حاکمان ستمگر نهی می‌کنند، نخستین شعار اسلام را نفی قدرت‌های باطل دانسته و دیانت و سیاست را دوروی یک سکه قلمداد نموده و معتقدند: «شواهد تاریخی و متون دینی به‌وضوح نشان می‌دهد که قرآن کریم، به‌عنوان متن بنیادین اسلام، هیچ مرزی بین عرصه دین و سیاست قائل نیست و برخلاف دیدگاه‌های سکولار، با تشریح دقیق امور حکومتی، الگویی تمام‌عیار برای مدیریت جامعه اسلامی ارائه می‌دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۹/۷).

مطالب پیشین ناظر به عموم پیامبران بود، اما دسته‌ای دیگر از آیات قرآن کریم به‌صراحت بر مشروعیت الهی حکومت‌های سیاسی آن دسته از انبیای الهی دلالت دارند که موفق به تأسیس نظام حکمرانی شدند. برای نمونه، می‌توان به آیه ۲۵۱ سوره بقره در مورد حضرت طلوت (ع)، آیات ۲۰ و ۲۶ سوره «ص» درباره حضرت داوود (ع) و آیه ۱۲۴ سوره بقره در شأن حضرت ابراهیم (ع) اشاره کرد. در تفسیر آیه اخیر، شمار زیادی از مفسران بر این نظر تصریح کرده‌اند که «منصب امامت حضرت ابراهیم (ع) می‌تواند به‌معنای رهبری و تدبیر امور سیاسی جامعه باشد» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۷۶/۱؛ سبحانی، ۱۳۸۸: ۲۸۷/۱۱-۲۹۰). همچنین آیاتی که اعطای سلطنت و فرمانروایی به پیامبرانی مانند حضرت سلیمان و داوود (ع) را بیان می‌کنند، مانند آیه ۳۵ سوره «ص» و آیات ۷۹ و ۸۰ سوره انبیا. افزون بر این، آیه ۲۴۷ سوره بقره به‌وضوح نشان می‌دهد که حضرت طلوت (ع) به دستور پیامبر زمانش و با نصب الهی به مقام فرماندهی و پادشاهی برگزیده شد، چنان‌که در تفسیر

انفال/ ۱۳ و ۲۰؛ توبه/ ۶۳؛ نور/ ۶۳؛ محمد/ ۳۲؛ مجادله/ ۵، ۲۰ و ۲۲؛ حشر/ ۴؛

– آیه شریفه ولایت: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/ ۵۵).

معظم‌له ذیل آیه «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»، می‌گویند: «مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» و عبارت «وَهُمُ رَاكِعُونَ» در آیه قبل آن، امیرالمؤمنین علی (ع) است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۲۴/۴۰) و علامه طباطبایی ذیل آیه یادشده، «ولایت» را که نسبت به خدا و پیامبر (ص) و مؤمنین به یک معناست، همان را برای علی (ع) ثابت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۶).

«هر معنایی که ولایت در مورد پیغمبر دارد، همان معنا در مورد امیرالمؤمنین با این نصب پیغمبر محقق است... نصب امیرالمؤمنین، نصب نبوی نبود؛ نصب الهی بود و پیغمبر این را به مردم ابلاغ کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۵۱/۳۲).

طبری و زمخشری نزول این آیه درباره علی (ع) را تصریح کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۸۶/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۴۹/۱). طبرسی آن را «واضح‌ترین دلیل امامت بلافصل علی (ع) پس از پیامبر (ص)» دانسته (طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۲۷/۳) و شیخ طوسی، آیه را دلیل خدشه‌ناپذیر بر ولایت و امامت علی (ع) می‌خواند (طوسی، ۱۴۱۳: ۳۲۷/۳). بنابراین دلالت آیه بر ولایت سیاسی علی (ع) غیرقابل انکار است.

– آیه شریفه تبلیغ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده/ ۶۷).

آیت... خامنه‌ای با اشاره به تبیین تکلیف امت اسلامی پس از پیامبر (ص) در ماجرای غدیر می‌گویند: «انتخاب زمان حساس برای اعلان ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) به دستور الهی بود: بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، اگرچه پیامبر (ص) طی ۲۳ سال با تمهیدات تدریجی، قطعیت امامت علی (ع) را محرز کرده بود، اما اعلان رسمی می‌بایست در یک نقطه حساس از جهت زمانی و مکانی، اتفاق می‌افتاد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۳/۳۱).

علامه طباطبایی بعد از رد اقوال و احتمالات مختلف و تأکید بر نزول این آیه بر ولایت علی (ع) می‌نویسند: «و هذا يؤيد ما وردت به النصوص من طرق الفريقين أن الآية نزلت في أمر ولایه علی (ع) و أن الله أمر بتبليغها و كان النبي (ص) يخاف أن يتهموه في ابن عمه و يؤخر تبليغها وقتاً إلى وقت حتى نزلت الآية فبليغها

۳– آیاتی که در ارتباط با حکومت و قضاوت حضرت نازل شده و تصریح دارند که مردم به اطاعت از ایشان ملزم هستند، مثل نساء/ ۶۵ و ۱۰۵؛ نور/ ۴۷ و ۵۲؛ احزاب/ ۶. «در آیه ۳۶ سوره احزاب، لفظ «قَضَى» به معنای قضاوت مصطلح، یعنی داوری در میان مردم نیست، بلکه منظور این است هنگامی که خدا و پیامبر درباره کاری فرمان قطعی صادر کردند، دیگران حق اعتراض و چون‌وچرا ندارند. بنابراین آیه مذکور نیز شامل هر امری می‌شود، خواه قضای مصطلح و رفع مشاجرات و مخاصمات باشد و خواه کارهای دیگر باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۳۹).

در اسلام و قرآن کریم، واجبات و تکالیفی مقرر شده است که اجرای کامل آن‌ها مستلزم تشکیل حکومت است. پیامبر اکرم (ص) به عنوان نخستین مخاطب این احکام، مسئولیت اجرایی کردن آن‌ها را برعهده داشتند. مواردی همچون جهاد، آمادگی دفاعی، عقد صلح، امر به معروف و نهی از منکر، اجرای حدود و قصاص، از جمله این احکام هستند که ذاتاً جنبه‌ای اجتماعی و حکومتی دارند و در چهارچوب یک نظام سیاسی قابل تحقق می‌باشند.

بدین‌سان، از منظر قرآنی و اندیشه آیت... العظمی خامنه‌ای، مشروعیت سیاسی پیامبران (ع) ریشه در نصب و اذن الهی دارد و مردم تنها در تحقق و عینیت‌بخشی به این مشروعیت نقش‌آفرین هستند.

۴– مبنای مشروعیت در نظام سیاسی امامان معصوم (ع)

شیعیان معتقدند امامان معصوم (ع) مشروعیت الهی و منصوص داشته و از سوی خداوند به مقام امامت و زعامت سیاسی جامعه اسلامی برگزیده شده‌اند.

۴-۱– نظام سیاسی امیر مؤمنان علی (ع)

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که به روشنی بر ولایت علی ابن ابیطالب و دیگر امامان معصوم (ع) دلالت دارند. این دلالت‌ها با قرائن صریح قرآنی و روایات متواتر پیامبر اکرم (ص) در شأن نزول آیات، مورد تأیید قرار گرفته است.

بغدير خم و قال فيه: من كنت مولا فلهذا على مولا» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۹/۶).

دلالیت آیه تبلیغ بر مشروعیت ولایت سیاسی علی (ع) در اندیشه آیت‌... خامنه‌ای و دیگر مفسران (مانند صافی، قمی، عیاشی، المیزان و نمونه) قطعی و روشن است.

«امامت و ولایت، امری الهی و تعیینی است نه انتخابی برآمده از محاسبات شخصی پیامبر (ص)، هرچند عقل سلیم نیز علی (ع) را شایسته‌ترین جانشین می‌دانست، اما گزینش ایشان به امر خداوند بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۳/۳۱).

– آیه اكمال دين: «الْيَوْمَ يُبَيِّنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده/۳).

آیت‌... خامنه‌ای با استناد به آیه فوق و یادآوری ماجرای تاریخی غدیر، تصریح می‌نمایند که حضرت در چنین وضعیتی مسأله مشروعیت نظام سیاسی امیرمؤمنان علی (ع) را از سوی خداوند اعلام می‌نمایند: «مهم‌ترین قسمت خطبه غدیر این است که پیامبر (ص) مسأله ولایت و حاکمیت اسلامی را به‌طور رسمی و صریح مطرح می‌کند و امیرالمؤمنین را به‌عنوان شخص، معین و مطرح می‌نماید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۲/۲۲).

معظم‌له در جای دیگر، با ذکر آیه ۳ سوره مائده، روز غدیر را امتداد خط همه رسالت‌های الهی می‌دانند که امتزاج دیانت و سیاست درجهت هدایت درست جامعه و به‌عنوان سنت الهی، به تارک تاریخ ماندگار گردید (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۲/۲۳).

بسیاری از تفاسیر شیعی مثل المیزان، جوامع الجامع و تفسیر نمونه آیه اكمال دين را درباره انتصاب علی (ع) به وصایت و خلافت پیامبر (ص) دانسته‌اند که پس از ایشان اداره جامعه اسلامی را به‌عهده می‌گیرد.

۲-۴- نظام سیاسی بقیه ائمه هدی (ع)

آن‌چه گذشت، به مشروعیت نظام سیاسی امیرمؤمنان علی (ع) مربوط بود، اما آیات متعددی در قرآن با دلالتی عام‌تر، مشروعیت رهبری دیگر امامان معصوم (ع) را نیز اثبات می‌کند، زیرا این آیات یا شرایطی چون علم و تقوا را برای رهبری برمی‌شمارند که تنها در معصوم تحقق دارد یا اطاعت مطلق را واجب می‌شمارند که جزء بر امام معصوم (ع) صدق نمی‌کند،

ازجمله می‌توان به آیه ۵۹ نساء و آیه ۱۲۴ بقره اشاره کرد که در بیانات آیت‌... خامنه‌ای نیز مورد استناد قرار گرفته‌اند:

– آیه کریمه «اولی الامر»: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹).

قرآن کریم در آیه ۸۳ سوره نساء نیز واژه «اولی الامر» را به‌کار برده است. واژه «أمر» در این دو آیه و آیه «شورا» به‌معنای امور حکومت و اجتماع است نه به‌معنای فرمان و الا تناقض از جانب خداوند متعال است که هم بدان دلیل که کسی دارای قدرت و صاحب فرمان است، واجب‌الاطاعه باشد و هم به‌دلیل ظلم و طغیان، تمرد از او واجب باشد. علامه طباطبایی تصریح می‌نماید که «منظور از امر، آن شأن و کارهایی است که با دین یا دنیای مؤمنین ارتباط دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۹۱/۴).

مراد از اولی الامر در این آیه، ائمه هدی (ع) هستند و بر این معنا همه مفسران شیعه اتفاق نظر دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۱۴/۱). زیرا اولی الامر، کسانی هستند که همانند پیامبر اکرم (ص) دارای عصمت می‌باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۲۳/۴). بنابراین یکی از روش‌های اسلام برای تعیین حاکم و زمامدار، جعل و نصب الهی است؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام (ص) منصوب خدا بود و پس از او علی (ع) و دیگر امامان هدی (ع) به دستور الهی منصوب شدند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۵/۹). در نتیجه، دستورات امامان معصوم (ع) همچون پیامبر (ص) در همه عرصه‌ها – ازجمله حوزه حکومت – لازم‌الاتباع است و در صورت تشکیل نظام سیاسی، از مشروعیت الهی برخوردار خواهند بود.

– آیه امامت حضرت ابراهیم (ع): «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ، قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي، قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۲۴).

«مستفاد از لفظ امام، دو چیز است: نخست این‌که در افعال و گفتار، مقتدا و پیشوا است؛ دوم این‌که اداره امور امت و سیاست اداره آن‌ها را برعهده دارد» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۰۱/۱) و «امامت، یعنی پیشوای جامعه در امر دین و دنیا» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۵۱/۳۲).

همان‌گونه که از آیه یادشده برمی‌آید، امامت و حکومت حضرت ابراهیم (ع) مشروعیتی الهی دارد، قاعده کلی آن نشان می‌دهد که این مشروعیت تنها به کسانی تعلق می‌گیرد که از عدالت

مطلق برخوردار باشند؛ ویژگی‌ای که صرفاً در امامان معصوم (ع) تحقق می‌یابد.

«خداوند بعد از امتحان‌های فراوانی که از ابراهیم کرد گفت: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، ابراهیم عرض کرد: و من ذریتی؛ اولاد و ذریه من هم در این امامت نصیبی دارند؟ خداوند ضابطه داد: لَإِنِّي لَعَهْدِي بِالظَّالِمِينَ؛ حکم امامت از سوی من به ستمگران و ظالمان نمی‌رسد؛ باید عادل باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۳۵).

باتوجه به ضرورت حکومت از یک سو و نفی حاکمیت ستمکاران در عهد الهی از سوی دیگر، مشروعیت سیاسی تنها از آن امامان معصوم (ع) است.

براساس تفسیر علامه طباطبایی، انسان‌ها چهار دسته‌اند: همواره ظالم، همواره عادل، ظالم در آغاز و عادل در پایان عمر و برعکس. حضرت ابراهیم (ع) امامت را برای دسته‌های نخست و چهارم درخواست نکرد و خداوند نیز دسته سوم را رد نمود. بنابراین امامت تنها به کسانی اختصاص دارد که از آغاز تا پایان عمر معصوم باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۷۷/۱).

این آیات و نظایر آن‌ها و نیز روایات متواتر، هم بر مشروعیت حکومت امامان معصوم (ع) دلالت دارد و هم بر عدم مشروعیت حکومت‌هایی که در عصر حضور بدون اذن الهی پدید آمدند.

بر این اساس، پیامبر اکرم (ص) رهبری سیاسی پس از خود را به امامان معصوم (ع) سپردند (خامنه‌ای، ۱۳۶۹: ۲۰/۴). سیره ائمه (ع) نیز نشان می‌دهد که آنان همواره درصدد تشکیل حکومت الهی بوده و مبارزه با ستمگران را وظیفه‌ای الهی می‌دانستند، چنان‌که تاریخ ۲۵۰ ساله حضورشان آکنده از مبارزه سیاسی و خطامشی جهادی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷: خامنه‌ای، ۱۳۶۳: خامنه‌ای، ۱۳۶۸).

۵- مبنای مشروعیت در نظام سیاسی عصر غیبت

در اندیشه سیاسی شیعه، مسأله بنیادین در عصر غیبت، منشأ مشروعیت نظام سیاسی ولایت فقیه است. در این باره سه دیدگاه اصلی مطرح شده است: ۱- انتخاب؛ ۲- انتصاب؛ ۳- انتصاب مشروط یا تلفیقی که هریک بر مبنای خاصی، سازوکار مشروعیت نظام سیاسی را تبیین می‌کنند.

۵-۱- نظریه انتخاب

در نظریه انتخاب که با نبود نص و عدم حضور امام معصوم (ع)، موضوعیت می‌یابد، منشأ مشروعیت، مردم و آرای عمومی است؛ «به‌دلیل صلاحیتی که خداوند به مسلمانان داده، ولایت سیاسی با حفظ شرایط و معیارهای شرعی به خودشان تفویض گردیده و می‌توانند از میان فقهای جامع‌الشرایط، کسی را به‌عنوان حاکم اسلامی و در رأس هرم قدرت برگزینند. بنابراین شارع مقدس، فقها را به‌عنوان ولی و حاکم منصوب نکرده، بلکه با بیان شرایط عام رهبری، آنان را برای احراز مقام ولایت و حاکمیت برای امت معرفی نموده و مردم با انتخاب یکی از آنان، به حاکمیت و نظام سیاسی تحت فرمان او مشروعیت می‌بخشد» (حاتمی، ۱۳۸۴: ۳۲۰).

علی‌رغم روش عقلی و عقلایی بر واگذاری پاره‌ای از امور به نمایندگان و افراد خبره، «از برخی آیات و روایات برمی‌آید که اساس امر حکومت از راه انتخاب مردم است. آیه ۳۸ سوره شورا مبین این مطلب است، یعنی حکومت و رهبری از راه مشورت ایجاد می‌شود و این همان انتخابی‌بودن رهبری از طریق مردم می‌باشد» (منتظری، ۱۳۶۸: ۲۸۴).

۵-۲- نظریه انتصاب

نظریه انتصاب، مشروعیت نظام سیاسی را بر پایه نصب و اذن مستقیم الهی استوار می‌داند و برای مردم در ایجاد آن نقشی قائل نیست. همان‌گونه که مردم در ولایت پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) نقشی نداشتند، در عصر غیبت نیز ولایت و رهبری فقهای جامع‌الشرایط وابسته به خواست و پذیرش عمومی نیست، بلکه استمرار همان ولایت الهی است.

مسأله «نصب» به‌طور کلی در سنت اهل سنت نیز پذیرفته شده است. آنان می‌گویند اگر پیامبر (ص) فردی را به‌طور صریح به خلافت منصوب می‌کرد، همان فرد حاکم مشروع مسلمانان بود، اما چون به باور آنان چنین نصی وجود ندارد، امامت بعد از پیامبر (ص) به اختیار مردم واگذار شد. ابوالحسن اشعری در این باره تصریح می‌کند: «امامت می‌تواند با نص ثابت شود، ولی چون نصی نیامده است، تعیین امام به انتخاب مردم واگذار شد» (شهرستانی، ۱۹۹۰: ۱۱۷/۱).

در مقابل، عالمان شیعه و به‌ویژه اندیشمندان متأخر، نصب را قطعی دانسته‌اند. امام خمینی، آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله صافی گلپایگانی تصریح کرده‌اند که ولایت الهی و زعامت

قرآن کریم نیز با تأکید بر اختیار انسان، این مبنا را تأیید می‌کند. آیات متعددی چون «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف/۲۹) و «فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (انسان/۲۹) و آیات متعدد دیگر (بقره/۲۵۶؛ نساء/۱۱۰؛ اسراء/۱۹؛ انبیاء/۹۴) نشان می‌دهند که انسان مختار آفریده شده است. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های این اختیار، تعیین سرنوشت سیاسی در عصر غیبت است؛ حقی که به مردم امکان می‌دهد در چهارچوب قوانین الهی زمامدار خویش را برگزینند.

در همین راستا، اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که از سوی امام خمینی (ره) و معظم‌له تأیید گردیده، چنین مقرر می‌دارد: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقي که در اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند.» این اصل سه نکته اساسی را دربر دارد:

۱- حاکمیت انسان در طول حاکمیت الهی است، نه در عرض آن؛ ۲- حق تعیین سرنوشت، امانتی الهی است، نه حقی مستقل و ذاتی؛ ۳- تعارض حاکمیت الهی فقط با طاغوت است، نه با اراده مردم در چهارچوب شریعت.

باوجود پیچیدگی شرایط سیاسی و تنوع مخاطبان، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آیتا... خامنه‌ای ضمن پذیرش نصب عام فقها، مقبولیت مردمی را نیز شرط تحقق عینی مشروعیت می‌دانند. ایشان بارها نقش محوری رأی مردم و حق تعیین سرنوشت را در چهارچوب شریعت گوشزد کرده‌اند.

در میان فقهای نامدار شیعه، کمتر کسی را می‌توان یافت که برای اثبات مشروعیت نظام سیاسی در عصر غیبت، به قرآن کریم تمسک جسته باشد؛ با این حال، در آثار آیتا... خامنه‌ای تصریحاتی دیده می‌شود که آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) - علیرغم تفسیر رایج شیعه مبنی بر اشاره به امامان معصوم (ع) - در عصر غیبت نیز قابل استناد است. این دیدگاه همسو با آرای فقهایی چون شیخ حسن نجفی (صاحب جواهر)، سیدمصطفی خمینی و سیدمحمدحسین فضل‌الله است.

سیاسی، از پیامبر اکرم (ص) به امامان معصوم (ع) و سپس به فقهای عادل و آگاه منتقل شده است (خمینی، ۱۴۲۳: ۱۸؛ خمینی، ۱۳۷۸: ۴۰۳/۱۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۲۵۷؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۷۶: ۱۸/۴-۸). بر این اساس، فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت نایب عام معصومان (ع) در همه شئون شرعی، سیاسی و اجتماعی است و مشروعیت حکومت اسلامی به نصب الهی او بازمی‌گردد. امام خمینی در این زمینه می‌نویسد: «فقهای جامع‌الشرایط از طرف معصومین نیابت در تمام امور شرعی، سیاسی و اجتماعی دارند و اداره امور در غیبت کبرا به آنان سپرده شده است» (خمینی، ۱۳۹۸: ۲۰۱).

۳-۵- نظریه انتصاب مشروط (مشروعیت الهی - مردمی)

نظریه «انتصاب مشروط» یا «مشروعیت الهی - مردمی» بر دو رکن استوار است: نخست، نصب عام فقهای جامع‌الشرایط از سوی شارع مقدس؛ دوم، شرط مقبولیت و پذیرش عمومی از سوی مردم. در این دیدگاه، برخلاف نظریه «انتصاب مطلق»، مشروعیت ولایت فقیه مطلق و بی‌قید نیست، بلکه مشروط به اقبال مردمی است. در واقع، بُعد الهی و بُعد مردمی مانند حکومت خدا و حکومت طاغوت در تعارض با یکدیگر قرار ندارند، بلکه جلوه‌های متفاوتی از اراده واحد الهی‌اند.

از منظر اسلامی، ولایت سیاسی با تنفیذ شارع مشروعیت پیدا می‌کند و این تنفیذ وابسته به دو شرط است: ۱- صلاحیت حاکم؛ پذیرش مردم (خامنه‌ای، ۱۳۸۲). فقدان هریک از این دو شرط، نظام سیاسی را نامشروع می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۸۲). بر همین اساس، در نظریه انتصاب مشروط - مطابق با مبانی قرآنی در اندیشه آیتا... خامنه‌ای - مشروعیت از پیوند میان اراده الهی و اراده مردمی حاصل می‌شود. در این چهارچوب، حق انتخاب مردم ذاتی نیست، بلکه عطیه‌ای الهی است که در سیاست به‌صورت جمع «حق‌الله» و «حق‌الناس» ظهور می‌یابد:

«در اسلام، حق‌الله رقیب و نقطه مقابل حق‌الناس نیست؛ همه حقوق مردم، از جمله حق انتخاب که قطعاً در امر حکومت وجود دارد، ناشی از حکم الهی است و اعتبار آنها از حاکمیت و مقررات خداوند گرفته می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

«در اسلام حکومت خداوند در تعارض با حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش نیست، بلکه حاکمیت مردم تا حدی معتبر است که خداوند مقرر داشته است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۳/۵).

استناد کرد، با تحلیل مفهومی و التزامی آیات متعدد، می‌توان به این نتیجه دست یافت و آن را مستند به قرآن کریم دانست.

در اندیشه آیت‌ا... خامنه‌ای، نصب عام فقهای جامع‌الشرایط امری قطعی است، اما مقبولیت عمومی شرط تحقق مشروعیت به‌شمار می‌رود. ایشان با استناد به اصل ۵۶ قانون اساسی، رأی مردم را رکن مشروعیت معرفی کرده‌اند: «اگر مردم حکومتی را نخواهند، آن حکومت پایه مشروعیت خود را از دست می‌دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۵/۲۰).

همچنین ایشان دو مؤلفه اصلی مکتب امام خمینی (ره) را چنین برمی‌شمارند: نخست، اراده الهی که همه رفتارهای امام حول آن شکل می‌گرفت؛ دوم، اراده مردمی که براساس آن، امام نقش تعیین‌کننده مردم در نظام اسلامی را به رسمیت شناخت (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۸/۲۶).

در نتیجه، مشروعیت نهایی نظام سیاسی در این نظریه بر دو پایه استوار است: ۱- معیارهای شرعی؛ ۲- مقبولیت عمومی. مقبولیت مردم صرفاً به‌معنای «تشخیص مصداق» نیست، بلکه انتخاب نهایی اصلح از میان واجدان شرایط است. تنها با تحقق این دو رکن است که ولایت فقیه مشروعیت پیدا می‌کند و احکام او برای همگان - حتی دیگر فقها - لازم‌الاتباع خواهد بود.

«اما در مواردی که حاکم معینی به‌عنوان منصوب الهی تعیین نشده باشد، مشروعیت حاکم بر دو پایه استوار می‌گردد: ۱- برخورداری پایدار از صفات و ملکات اسلامی؛ ۲- مقبولیت عمومی. اگر فرد واجد شرایط، شناسایی نشود یا مورد پذیرش مردم قرار نگیرد، صرفاً دارابودن معیارهای شرعی برای مشروعیت کافی نیست. حاکم مشروع تنها کسی است که هم‌زمان واجد شرایط شرعی باشد و هم مقبولیت مردمی داشته باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۶۲).

بدین‌ترتیب، نظریه انتصاب مشروط، مشروعیت را تلفیقی و به‌عبارت دیگر، مشروط می‌بیند: از یک‌سو الهی و از سوی دیگر مردمی. در این چهارچوب، رأی مردم نه امری تشریفاتی و صوری، بلکه شرط تحقق واقعی ولایت فقیه است.

۶- جایگاه مردم در کلام و آثار آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای

صاحب جواهر، توسعه دلالت آیه و افزودن فقیه حاکم به مصداق «أولی الأمر» را - برپایه روایات نصب فقیه در عصر غیبت - پذیرفته و معتقد است که اطلاق ادله، فقیه جامع‌الشرایط را در زمره اولی‌الأمر قرار می‌دهد: «اطلاق ادله حکومتی خصوصاً روایت‌النصب التي وردت عن صاحب‌الامر، یصیر من اولی الامر الذین اوجب الله علينا طاعتهم» (نجفی، ۱۴۰۰: ۴۲۱/۱۵-۴۲۲).

از نگاه مصطفی خمینی، عمومیت خطاب در ابتدای آیه «یا ایها الذین آمنوا» شامل مؤمنان عصر غیبت نیز می‌شود. طبعاً در این دوران، امکان اطاعت مستقیم از امام معصوم (ع) در امور حکومتی منتفی است و باید مصداقی از «أولی الأمر» را در شخص دیگری جستجو کرد که قدر متیقن، فقیه جامع‌الشرایط است، لذا اگر او متصدی امور شد، باید در قلمرو ولایتش مطاع باشد (خمینی، ۱۳۷۶: ۲۰). ایشان با همین مبنا، آیه ولایت (مائده/۵۵) را نیز تفسیر نموده و از توسعه ولایت به فقهای عادل سخن می‌گویند (خمینی، ۱۳۷۶: ۲۰). همچنین در این‌باره می‌توان به کتاب‌های دراسات فی ولایت الفقیه (منتظری، ۱۴۰۸: ۴۳۷/۱)، بنیان حکومت در اسلام (حائری، ۱۳۷۸: ۲۶۸) و ولایت فقیه از دیدگاه قرآن (آذری قمی، ۱۳۷۳: ۱۵۰/۱) مراجعه کرد.

آیت‌ا... خامنه‌ای نیز ذیل آیه یاد شد، «أولی الأمر» را صاحب فرمانی معرفی می‌کنند که با معیارهای الهی مطابقت داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: جلسه ۲۶) و با استناد به این آیه، قلمرو ولایت فقیه را فراتر از مرزهای ملی می‌دانند: «با فهمی که ما از این آیه داریم، مال همه مسلمان‌ها است، پس ولایت امام امت برای همه امت اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۲۰۲) و در ارتباط با زعامت امام خمینی (ره)، ذیل آیه می‌گویند: «کسی که می‌خواهد راه انبیا را ببیماید، نمی‌تواند از نظامی که در رأس آن ولی امر الهی قرار دارد، اطاعت نکند؛ چنین کسی در مسیر شیطان است، نه خدا» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۷۸).

علاوه‌بر این، آیات متعددی درباره جامعه و حکومت - مانند آیات نفی طاغوت، نفی سیل، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر - همگی بر ضرورت وجود حکومت در هر زمان دلالت دارند. از این‌رو نمی‌توان پذیرفت که قرآن کریم به‌عنوان «تَبَیَّاناً لِّکُلِّ شَیْءٍ» نسبت به مسأله حکومت در عصر غیبت سکوت کرده باشد، حتی اگر نتوان به آیات صریحی در مورد ولایت فقیه

جمهور بوده و حتی‌الامکان فروگذار نخواهیم کرد» (کرمانی، ۱۳۶۲: ۲۳۰).

- «تردیدی نیست که مسأله حکومت اسلامی در دوران غیبت، به مسلمین واگذار شده است و مسلمین باید براساس سنت امامت به تعیین حاکم دست زنند و نه بر سنت پادشاهی و امپراتوری» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۲/۴).

- «رجوع مردم به آنان (فقه‌ای واجد شرایط)، موجب اعطای ولایت (به معنی سرپرستی و حق اشراف کامل از این زاویه) به آنان می‌گردد» (صدر، ۱۹۷۹: ۱۹).

- «رییس دولت اسلامی توسط مردم انتخاب می‌شود. مادامی که مصلحت عمومی در چنین انتخابی باشد و عصیان اوامر و نواهی الهی نشده باشد، اسلام این آزادی مردم را تأیید کرده است» (مغنیه، ۱۳۸۵: ۶۶-۶۵).

- «اساساً فقیه را خود مردم انتخاب می‌کنند و کلمه جمهوری، شکل حکومت پیشنهادشده را مشخص می‌کند...، یعنی حکومتی که در آن حق انتخاب با همه مردم است» (مطهری، ۱۳۶۱: ۷۷-۸۰).

- آیت‌... سیستانی در پاسخ به سؤال «نظر معظم‌له درباره ولایت فقیه چیست؟» نوشته‌اند: «ولایت در امور عامه که نظم جامعه اسلامی بر آن‌ها متوقف است هم در شخص فقیه و هم در شرایط به‌کار بستن ولایت، امور دیگری معتبر است، از جمله مقبول بودن نزد عامه مؤمنین» (سایت رسمی دفتر آیت‌... العظمی سیستانی).

- «انتخاب شئون حیات و کیفیت آن‌ها در زمینه همه موضوعات زندگی مادامی که با نهی صریح برخورد نکند، در اختیار خود مردم است و چون اسلام این اختیار در انتخاب را پذیرفته و شوری و جماعت را بر مبنای (یدالله مع الجماعة) اصل قرار داده است، بنابراین حکومت مردم بر مردم را در یک معنای عالی پذیرفته است» (جعفری، ۱۳۷۹: ۴۷۹).

- «اما الدولة الاسلامیه فی ظرف عدم وجود النبوه و غیبه الامام فانما تكون بالشکل الذی تختاره الامه و ترضاه و من

الهی‌بودن مشروعیت، مبنای اساسی در اندیشه معظم‌له است، لیکن پذیرش مردمی نیز به‌عنوان شرط لازم در مشروعیت نظام سیاسی عمل نموده و صرفاً نصب عام و برخورداری از معیارهای الهی کافی نیست و ایشان بارها در بیانات خود بر این نکته تأکید کرده‌اند:

- «در اسلام مردم یک رکن مشروعیت‌اند...» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲):

- «در نظام اسلامی، دارا بودن معیارها کافی نیست، بلکه انتخاب مردم هم شرط لازم است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹).

- «هر دولتی که به مردم تکیه نداشته باشد، مشروع نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۵۰/۲۶)، «اگر مردم حکومتی را نخواهند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷).

- «ولایتی مورد قبول است که شارع آن را تنفیذ کرده باشد و تنفیذ شارع بسته به دو امر است: اول اهلیت و صلاحیت ولی؛ دوم خواست مردم. این منطق مردم‌سالاری دینی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲).

- «در دل اسلامیت، جمهوریت است. در دل اتکا به حکم الهی، تکیه به مردم و احترام به خواست و رأی مردم است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

- «همه حقوق مردم، از جمله حق انتخاب که قطعاً در امر حکومت، برای مردم وجود دارد، ناشی از حکم الهی است؛ اعتبار همه حقوق مردم از حاکمیت خداوند و آنچه خدای متعال مقرر فرموده متخذ است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

۷- مشروعیت الهی - مردمی در کلامی از دانشمندان

نظریه «انتصاب مشروط» یا «الهی - مردمی»، سابقه طولانی در اندیشه شیعی ندارد و در یک قرن اخیر است که شماری از فقها و متفکران اسلامی به‌طور صریح یا ضمنی به آن اشاره کرده‌اند:

- در متن تلگراف سه تن از فقه‌های بزرگ قرن چهاردهم (آخوند خراسانی، میرزا حسین تهرانی و شیخ عبدالله مازندرانی) در خطاب به محمدعلی‌شاه قاجار آمده: «... داعیان نیز بر حسب وظیفه شرعی خود، در تحقیق آنچه ضروری مذهب است که حکومت مسلمین عهد غیبت حضرت صاحب‌الزمان (عج) با

از این منظر، وجوب تشکیل حکومت دو شرط اساسی دارد:

۱- فقهای واجد شرایط باید برای تصدی حکومت اعلام آمادگی کنند؛ ۲- مردم باید از میان آنان فرد اصلح را برگزینند، زیرا نه همه فقها امکان حکومت دارند و نه توافقشان بر یک فرد، حق و مسئولیت را از مردم ساقط می‌کند، کافی است، پس تنها سازوکار مشروعیت‌بخش، معرفی فقها و انتخاب مردم است.

۳-۸- آیات خلافت انسان

آیاتی که انسان را خلیفه خدا در زمین معرفی می‌کنند (بقره/۳۰؛ فاطر/۳۹؛ ص/۲۶؛ نمل/۶۲) بیانگر مسئولیت انسان در حکمرانی، اجرای عدالت و آبادانی زمین‌اند.

مطابق وعده تخلف‌ناپذیر الهی در آیه ۵۵ سوره نور، هر جامعه‌ای که ایمان و عمل صالح داشته باشد، خدا قدرت را به دست آنان خواهد داد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۳۸/۲۰). همچنین شهید صدر تصریح می‌نماید که: «اداره جامعه انسانی و سیاست‌گذاری آن از شئون خلافت الهی انسان است» (صدر، ۱۹۷۹: ۱۳-۹). تحقق این خلافت، مستلزم آن است که هر فرد، بر پایه قوانین الهی، توانایی تصرف تکوینی (مانند آبادانی زمین) و تصرف تشریعی (از طریق تشکیل حکومت و قانون‌گذاری به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم و مطابق اصول اسلامی) را دارا باشد.

نتیجه اینکه نظام سیاسی مطلوب قرآن نه حکومت صرف مردم بر مردم (دموکراسی محض) است و نه حاکمیت ناصالحان. الگوی مطلوب، حاکمیت صالحانی است که دو شرط اساسی دارند:

۱- مشروعیت الهی: عدالت و آگاهی از اراده خدا که توسط نهادهای تخصصی احراز می‌شود؛ ۲- مقبولیت مردمی: همراهی با نیازهای جامعه که از طریق انتخابات تحقق می‌یابد.

۹- تفاوت‌ها و امتیازات نظریه‌های یادشده

۱-۹- اشتراکات کلی

۱- تمامی نظریه‌ها، ولایت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) را انتصابی می‌دانند؛

۲- همگی به اصل ولایت فقیه و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت معتقدند؛

یتزعم الدوله الاسلامیه سواء كان واحدا ام جماعه انما برأى الامه و اختیارها» (عده، ۱۳۷۳: ۵۴).

- «از آنجا که در عصر غیبت، نصب خاص منتفی است، حکومت اسلامی انتخابی می‌باشد» (منتظری، ۱۳۶۸: ۴۰۵).

۸- نقش تعیین‌کننده رأی مردم در مشروعیت حکومت از منظر قرآن

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که بر ضرورت مقبولیت مردمی در مشروعیت حکومت دلالت می‌کنند، ازجمله اطلاق برخی آیات، آیات مربوط به خلافت انسان و آیات تکالیف اجتماعی.

۱-۸- اطلاق آیه شورا

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شورا/۳۸).

اطلاق این آیه که شامل امر ولایت و حاکمیت نیز می‌شود، مشورت و نظرخواهی را از نشانه‌های مؤمن می‌داند. «بر این اساس، اثبات ولایت سیاسی از طریق مشورت و انتخابات مردمی، نشانه ایمان است» (منتظری، ۱۳۶۸: ۴۹۱/۱) و «مردم‌سالاری اسلامی برگرفته از متن قرآن است: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»، لذا مردم نه تنها در اعمال ولایت، بلکه در تعیین حاکم نیز نقش دارند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱/۵). این استدلال بر سه نکته استوار است: ۱- اطلاق آیه شامل گزینش حاکم نیز می‌شود؛ ۲- شیوه مشورت متناسب با شرایط جوامع متغیر است؛ ۳- نصی در قرآن یا روایات معتبر برخلاف مفاد آیه شورا وجود ندارد.

۲-۸- آیات تکالیف اجتماعی

آیاتی که عموم مردم را به وظایف اجتماعی، چون جهاد، دفاع، اجرای حدود و دیات، امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با مفسدان فرامی‌خوانند (بقره/۱۹۰؛ انفال/۶۰؛ بقره/۱۷۸؛ مائده/۳۸؛ نور/۲؛ آل عمران/۱۰۴؛ مائده/۳۳-۳۲)، دلالت دارند که تحقق این تکالیف بدون وجود حکومت ممکن نیست. تشکیل حکومت در اینجا به عنوان «مقدمه واجب» ضروری است.

به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، «تکالیف اجتماعی مانند استقرار عدالت و ایجاد حکومت حق، مقدمه تحقق هدف اصیل است» (نامشخص، ۱۳۹۸: ۴۲۷) و «دفاع از کشور و نظام اسلامی وظیفه‌ای بر دوش همه مردم است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۷/۹).

۳- در هر سه نظریه، مشارکت مردمی دارای جایگاه ضروری است.

۹-۲- تمایزات اساسی

۱- در نظریه انتخاب: مردم منشأ اصلی مشروعیت حاکمیت هستند؛

۲- در نظریه انتصاب: انتخاب مردم تنها شرط اعمال حاکمیت (نه منشأ مشروعیت) محسوب می‌شود.

۳- در نظریه مرکب: مشارکت مردمی شرط تحقق مشروعیت الهی نظام سیاسی است.

۹-۳- محور اختلاف بنیادین

آیا ولایت فقها به صورت انتصابی و مستقیم از جانب خداوند تعیین می‌شود یا مردم - به صورت کامل یا جزئی - در مشروعیت بخشی به نظام سیاسی نقش دارند؟

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر در چهار محور اصلی قابل جمع بندی است:

۱- در نظام سیاسی امامان معصوم (ع)، مشروعیت به طور کامل بر نصب الهی استوار است. این امر نزد فقها و متکلمان شیعه اجماعی است و نقش مردم در ایجاد مشروعیت مردود شمرده می‌شود.

۲- در عصر غیبت، پرسش از منشأ مشروعیت ولایت فقیه به سه نظریه اصلی انجامیده است: ۱- مشروعیت الهی محض؛ ۲- مشروعیت مردمی محض؛ ۳- مشروعیت مشروط یا تلفیقی (الهی - مردمی).

۳- بررسی اندیشه آیت‌... العظمی خامنه‌ای نشان می‌دهد که ایشان به نظریه تلفیقی (انتصاب مشروط) گرایش دارند. بر این اساس، مشروعیت ولایت فقیه دو بُعد دارد: ۱- بُعد الهی: برخورداری از شرایط انتصاب عام همچون فقاقت، عدالت و کفایت؛ ۲- بُعد مردمی: ضرورت پذیرش عمومی و اتکای نظام به رأی مردم.

در این دیدگاه، مقبولیت مردمی منشأ مشروعیت نیست، بلکه شرط تحقق آن است، به گونه‌ای که نصب عام فقیه

جامع‌الشرایط در صورتی فعلیت می‌یابد که با پذیرش اکثریت جامعه اسلامی همراه باشد.

۴- در نتیجه، حکومت مطلوب در عصر غیبت از منظر قرآنی و در اندیشه آیت‌... العظمی خامنه‌ای، تنها در صورتی واجد مشروعیت است که هر دو رکن اساسی را دارا باشد: نخست، صلاحیت‌های انتصابی فقیه؛ دوم، تحقق مقبولیت اجتماعی از طریق پذیرش و مشارکت مردم.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- آذری قمی، احمد (۱۳۷۳)، ولایت فقیه از دیدگاه قرآن، چاپ چهارم، قم: دارالعلم.

- بحر العلوم، محمد بن محمدتقی (۱۳۷۵)، بلغه الفقیه: مجموعه بحوث و رسائل و قواعد فقهیه، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، چاپ سیزدهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- بروجردی، حسین (۱۴۱۶)، البدر الزاهر فی صلوٰه الجمعة والمسافر، تقریرات درس آیت‌... بروجردی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹)، حکمت اصول سیاسی اسلام، چاپ دوم، تهران: بنیاد نهج الابلاغه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸)، بنیان مرصوص، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ش)، تفسیر تسنیم، چاپ هشتم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶)، وحی و رهبری، چاپ دوم، قم: نشر الزهرا.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۴)، مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- حائری، سید کاظم (۱۳۷۸)، بنیان حکومت در اسلام، ترجمه حسن طارمی، چاپ سوم، تهران: نشر کنگره.
- حلی، الحسن یوسف (۱۴۳۰)، کشف المراد فی تجرید الاعتقاد، چاپ اول، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵)، مکتوبات، نرم‌افزار حدیث ولایت. قم: مرکز کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵)، بیانات، نرم‌افزار حدیث ولایت، قم: مرکز کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۷)، بررسی ابعاد حکومت اسلامی، حکومت در اسلام، مقالات سومین و چهارمین کنفرانس اندیشه اسلامی، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، پرسش و پاسخ، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، سیاست، چاپ اول، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹)، بیان قرآن (تفسیر سوره ممتحنه)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، بیان قرآن: تفسیر سوره براءت، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۱۲/۴)، جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی: <https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=7571>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲ / ۹ / ۲۶)، سخنرانی در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، <https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=5703>
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۶۹/۱۱/۴) سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب حوزه علمیه قم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2414>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۱/۲۸)، روزنامه شرق، ش: ۱۵۰۵.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، کتاب البیع، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، چاپ دوم، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خمینی، سید روح‌الله، (۱۴۳۴)، موسوعه الامام الخمینی، ولایت فقیه حکومت اسلامی، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۸)، هندسه انقلاب، تهران: هندسه انقلاب، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۳)، ولایت فقیه، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید مصطفی (۱۳۷۶)، ثلاث رسائل ولایه فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۱۶)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، بیروت: الدارالشامیه.
- روزبه، محمدحسین، (۱۳۸۵)، مبانی مشروعیت در نظام سیاسی اسلام، چاپ اول، بی‌جا، کانون اندیشه جوان.

- زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ اول: بیروت.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۳)، الإلهیات علی هدی الکتاب والسنة والعقل، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۸)، منشور جاوید، چاپ دوم، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۹۹۰)، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفه.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۶)، ضرورت حکومت یا ولایت فقها در عصر غیبت، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴.
- صدر، سید محمدباقر (۱۹۷۹ م)، الاسلام یقود الحیات، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه المیزان، چاپ پنجم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، جعفر محمد بن حسن (۱۴۱۵)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طوسی، جعفر محمد بن حسن (۱۳۷۱)، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۶)، بنیادهای علم سیاست، چاپ هفدهم، تهران: نشر نی.
- عنایت، حمید (۱۴۰۰)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عوده، عبدالقادر (۲۰۰۹)، التشريع الجنائی الإسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، چاپ اول، قاهره: المكتبة التوفیقیه، ترجمه اکبر غفوری، انتشارات آستان قدس رضوی.
- غروی، میرزا علی (۱۴۰۷)، التنقیح فی شرح العروه الوثقی (تقریرات درس آیت‌... العظمی خوئی)، قم: انتشارات لطفی.
- فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک.
- قاضی أبو یعلی، محمد بن الحسین (۱۴۲۱)، احکام السلطانیه، چاپ دوم، بیروت: دارلکتب العلمیه.
- فرحی، داود (۱۳۸۴)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- قمی، علی ابن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، چاپ چهارم، قم: دارالکتاب.
- کاشانی، فیض (۱۴۱۵)، تفسیر صافی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر.
- ماکس وبر (۱۳۹۵ ش)، جامعه و اقتصاد، ترجمه: عباس منوچهری و همکاران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- مایوردی، علی بن محمد (۱۴۰۹)، احکام السلطانیه، کویت: مکتبه دار ابن قتیبه.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محسن، قرائتی (۱۳۸۳)، تفسیر نور، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- محمدحسین، نائینی (۱۳۸۰)، *المکاسب والبیع*، چاپ دوم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹)، *من هدی القرآن*، چاپ اول، تهران: دار محبی الحسین.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۱)، *بحث کوتاه پیرامون حکومت اسلامی و ولایت فقیه*، چاپ اول، قم: چاپ و نشر بین‌الملل.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، *حقوق و سیاست در قرآن*، چاپ چهارم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۷۵)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، چاپ ششم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، *مجموعه آثار*، چاپ بیستم، تهران: انتشارات صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷)، *ولایت فقیه*، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۵)، *الخمینی و الدوله الاسلامیه*، چاپ اول، قم: دار الکتاب اسلامی.
- مکارم شیرازی (۱۳۷۴)، *ناصر، تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسین علی (۱۴۰۸)، *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*، چاپ اول، قم: المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- منتظری، حسین علی (۱۳۶۸)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، چاپ اول، تهران: کیهان.
- میر غیائی، سید عبدالله (۱۳۹۱)، *مبانی مشروعیت قدرت سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام*، نشریه پژوهش‌های معرفت‌شناختی، شماره ۴.
- نامشخص (۱۳۹۸)، *مقالاتی از اندیشه نامه انقلاب اسلامی*، چاپ اول، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای.
- ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۶۲)، *میرزا محمد، تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: نشر آگاه.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۸)، *تنبیہ الأئمّه و تنزیه المله*، ۴۶ ترجمه سید محمود طالقانی، چاپ نهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نجفی، محمدحسین (۱۴۰۰)، *جواهرالکلام*، تهران: بی‌نا.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵)، *عوائدالایام*، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ب. وب‌سایت**
- <https://acecr.ac.ir/fa>
- <https://www.sistani.org/persian/qa>
- <https://mesbahyazdi.ir>
- <https://www.ghbook.ir>
- ج. نرم‌افزار**
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (۱۳۸۷) *نرم‌افزار صحیفه نور*، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (۱۳۹۲)، *نرم‌افزار جامع فقه ۲ أهل البيت علیهم‌السلام*، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (۱۳۹۴)، *نرم‌افزار جامع التفاسیر نور (نسخه ۳)*، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (۱۳۹۹)، *نرم‌افزار حدیث ولایت ۳*، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (۱۳۹۸) *نرم‌افزار نور: امید زنجانی*، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).

- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی. (۱۳۹۰)، نرم‌افزار جامع‌الحديث نور (نسخه ۳/۵)، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).

- مرکز تخصصی اسراء. (۱۳۹۰)، نرم‌افزار اسراء [نرم‌افزار رایانه‌ای]، قم: مرکز تخصصی اسراء.